

## تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء سیاستگذاری

دکتر عباسعلی رهبر\*

فاطمه حیدری\*\*

### چکیده

سرمایه اجتماعی مفهوم نوینی است که از علوم اجتماعی وارد عرصه علوم سیاسی گردیده و دامنه پژوهشی، کاربرد و تأثیرگذاری و تأثیر پذیری بالقوه و بالفعل گسترده-ای در صحنه روابط جامعه و حکومت دارد. سرمایه اجتماعی عبارت است از ارتباطات و شبکه های اجتماعی که می توانند حس همکاری و اطمینان را در میان افراد یک جامعه پدید آورند. در این میان نباید از نقش نهادهای مدنی و دموکراتیک و نیز نقش دولت و سیاستگذاران در گشودن چنین فضاهایی غافل شود. از این رو سرمایه اجتماعی یکی از مهم ترین شاخصه های رشد و توسعه هر جامعه ای به شمار می آید. این مقاله به دنبال تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی و مقایسه آن با سایر سرمایه ها، اهمیت ابعاد و اجزاء سرمایه اجتماعی و سرمایه های دیگر را بیان می کند و سپس به رابطه سرمایه اجتماعی و سیاستگذاری پرداخته و چنین نتیجه گیری می شود که سیاست های ارتقاء دهنده سرمایه اجتماعی می توانند تأثیر مستقیمی در بهبود اجتماع داشته باشند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد، انسجام اجتماعی، هنجارها،

مشارکت، سیاستگذاری

---

\* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، گروه علوم سیاسی، تهران، ایران

\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

## مقدمه

بحث توسعه جوامع و کشورها یکی از دغدغه‌های جدی دانشمندان و سیاستمداران بوده و به منظور دستیابی به توسعه، در اختیار داشتن سرمایه ضرورت اجتناب ناپذیر تلقی می‌شود. در دیدگاه‌های سنتی مدیریت توسعه، سرمایه‌های فیزیکی (مادی) و انسانی مهمترین نقش را ایفا می‌کردند، اما در عصر حاضر برای توسعه، بیشتر از آنچه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم، به سرمایه اجتماعی نیازمندیم، زیرا بدون این سرمایه، استفاده از سرمایه‌های دیگر به طور بهینه انجام نخواهد شد. به طور کلی سرمایه اجتماعی، منبع کنش‌های جمعی است که عامل پیوند دهنده عوامل اجتماعی است و موجب استفاده حداکثری از منابع فیزیکی و انسانی در جهت رشد و توسعه و تعالی جامعه خواهد شد. سرمایه اجتماعی با شاخص‌هایی همچون، اعتماد، آگاهی، مشارکت، شبکه‌ها و هنجارها سنجیده می‌شود و جامعه‌ای که هر یک از شاخص‌های یاد شده در آن، زیاد باشد از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار است.

با ذکر مقدمه بالا، سئوالات اصلی و فرعی پژوهش این است که: سرمایه اجتماعی چیست؟ آیا جوامعی که دارای سرمایه‌های انسانی، فیزیکی، مالی و... هستند، دارای میزان بالایی از سرمایه اجتماعی نیز خواهند بود؟ مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی چه می‌باشند؟ رابطه سرمایه اجتماعی با سیاستگذاری چگونه است؟ در پاسخ به این سئوالات این فرضیه را می‌توان مطرح نمود که: اندیشه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، اعتماد، اخلاقیات، مشارکت، آگاهی، انسجام اجتماعی، ارزش و هنجارها، نقش مستقیمی در سیاستگذاری ایفا می‌کند.

## پیشینه سنجش سرمایه اجتماعی

در سال 1831، الکسی دو توکویل<sup>۱</sup> با هدف بررسی مردم سالاری<sup>۲</sup> به این کشور مسافرت نمود و تحت تأثیر همین سفر هایش، حیات اشتراکی سرزنده‌یی را که پشتیبان دموکراسی آمریکایی و قدرت اقتصادی آن بود، به تفصیل توصیف کرد. توجه او به روابط انجمن‌ها و مؤسسات غیر دولتی<sup>۳</sup> مردم آمریکا جلب شد. او دریافت که روابط مردم آمریکا در آن مؤسسات داوطلبانه و غیررسمی ولی پویاتر از روابط سازمانهای رسمی و دولتی در اروپا است. نقش سازمان‌های مزبور، برقراری ارتباط، ایجاد اعتماد بین مردم و تحکیم مردم سالاری در آمریکا بود (صالحی امیری، 1388، 53).

حدود شصت سال بعد در کار جامعه‌شناس فرانسوی امیل دورکیم (1933) دلمشغولی مشابهی در کارش ظهور کرد که در آن روابط به عنوان منبعی از نظم و معنا در نظر گرفته شده بودند: دورکیم به مطالعه گذر طولانی از آنچه او همبستگی مکانیکی در جهان فئودالی می‌نامید به همبستگی ارگانیک در جهان سرمایه‌داری قرن نوزدهم پرداخت. از نظر دورکیم همبستگی اول مکانیکی بود زیرا اندیشمندان نبوده و از روی عادت و بر پایه‌ی ساختارها و تعهدات ثابت ارباب و رعیتی پایه‌گذاری شده بود. در مقابل در جامعه سرمایه‌داری، شهری و صنعتی، انسان‌ها در جهانی متشکل از غریبه‌ها زندگی می‌کردند، که امور زندگی شان را بدون مقررات مستقیم تقسیم کار فئودالی تقسیم می‌کردند. علاوه بر این پیوندهای چندگانه‌ای داشتند که مبتنی بر تعاملات متنوع بود. این دغدغه‌ها را در کار فردیناند تونیس نیز می‌توان مشاهده کرد که به تمایز بین معاشرت ارادی<sup>۴</sup> (گمین شافت یا اجتماع گرا) و معاشرت ابزاری<sup>۵</sup> (گزل شافت یا

- 
1. Alexis deToqueville
  2. Democracy
  3. No governmental organization (NGO)
  4. Purposive association
  5. Instrumental association

جامعه) پرداخته است. همین موضوع تا حدی در اندیشه ماکس وبر درباره اقتدار و کاریزما و تأکید وی بر سبک زندگی مشترک دیده می‌شود. در حالی که بعضی از نویسندگان بزرگ اواسط اواخر قرن نوزدهم دغدغه کیفیت و معنای روابط اجتماعی را داشتند، برخی دیگر بیشتر علاقمند به ویژگی‌های ساختارهای کلان بودند. مشخص‌ترین آن نظریه کارل مارکس درباره ماتریالیسم تاریخی است که عاملیت انسانی را بیشتر به روابط مجزا و مجرد طبقات اجتماعی اصلی نسبت می‌داد و نسبت به پیوندهای میانی و واسطی که افراد جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهند کم توجه بود. اتحادیه‌های تجاری و جوامع دوستانه در دید مارکس و انگلس به عنوان ابزارهای حفاظتی در نظر گرفته می‌شدند که از طریق آنها طبقه اشراف جایگاه ویژه و برخورداری خود را بر طبقه وسیع کارگر تأمین نموده و ستیز برعلیه سلطه بورژوازی را تضعیف می‌نماید. نویسندگان کلاسیک در پی درک این موضوع بودند که چگونه انسان‌ها ساختارهای اجتماعی پایدار و الگوهای رفتاری را در جهانی که به نظر آنها شهری شدن، صنعتی شدن و عقلانیت علمی پایه‌های سنتی نظم از جمله عادات، ایمان و اطاعت بدون فکر را از بین برده‌اند، ایجاد نمایند. با این حال نظریه اجتماعی کلاسیک به طور دقیق به حوزه‌هایی که مفهوم سرمایه اجتماعی به آنها اشاره دارد توجه نکرده و به تفصیل آنها را بررسی ننموده است.

سؤالاتی که نظریه پردازان کلاسیک مطرح نموده‌اند با سؤالاتی که محققین سرمایه اجتماعی مطرح می‌کنند تفاوت اساسی دارند. با اینکه می‌توان نظریه‌های سرمایه اجتماعی را در یک دیدگاه کلی مارکستی، دور کیمی یا وبری از نظر اجتماعی جای داد اما این مفهوم کانون‌های جدیدی را ایجاد کرده و پرسش‌های تازه‌ای را مطرح نموده است. ایده‌ی سرمایه اجتماعی به پیوندهای بین سطح خرد تجربیات فردی و فعالیت روزانه و نیز روابط میان نهادها، انجمن‌ها و اجتماع توجه دارد، علاوه بر این، با تعریف پیوندها به عنوان شکلی از سرمایه، این مفهوم به شکلی گسترده معطوف به مجموعه‌ای از تبیین‌هایی است

که می تواند سطوح خرد، میانی و کلان را یکدیگر پیوند دهد. (فیلد، 1388، 16-13). در سال 1916، لیدا هانیفان<sup>۱</sup>، سرپرست مدارس ویرجینیای غربی آمریکا از مفهوم سرمایه اجتماعی برای توضیح اهمیت مشارکت در ارتقاء فعالیت مدارس استفاده نمود. بعد از هانیفان اندیشه سرمایه اجتماعی تا چندین دهه ناپدید شد ولی در دهه 1950، گروهی از جامعه شناسان شهری کانادایی (سیم<sup>۲</sup>، سیلی<sup>۳</sup>، لوزلی<sup>۴</sup>، 1956 در دهه‌ی 1960، یک نظریه پرداز مبادله نام (هومانس<sup>۵</sup>، 1961) و یک استاد مسائل شهری (جین-جاکوب<sup>۶</sup>، 1961)، و در دهه 1970 اقتصاددانی به نام گلن لوری<sup>۷</sup> (1979) آن را دوباره احیا کردند (تاجبخش، 1389، 534). فرانسیس فوکویاما در کتاب «پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن» می نویسد، نخستین بار در دهه 1960، جین جاکوب، در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» سرمایه اجتماعی استفاده نمود (رحمانی و کاوسی، 1387، 33).

جاکوب سرمایه اجتماعی را شبکه های اجتماعی فشرده‌ای می داند که در محدوده های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می دهند (مبشری، 1388، 139). گلن لوری، سرمایه اجتماعی را مجموع منابعی می داند که ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است (کلمن، 1386، 459).

- 
1. Lyda. Hani fan
  2. Sim
  3. seely
  4. Loosely
  5. Homans
  6. Jane jacobs
  7. Glenn Loury

ایوان لایت<sup>۱</sup> جامعه‌شناس، در دهه ۱۹۷۰ از مفهوم سرمایه اجتماعی در توصیف نبود اعتماد و همبستگی بین آمریکائیان آفریقایی تبار (سیاه‌پوستان) و در نتیجه کمبود داد و ستد بین آنها بهره برد.

### سرمایه اجتماعی از نگاه پیر بورديو

پیربورديو جامعه‌شناسی برجسته بود که کارهایش طیف گسترده‌ای از دانش‌ها را پوشش می‌داد. از تئوری‌های فلسفی و ادبی تا جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، بورديو را بیشتر با پرداختن به مفاهیم زیر می‌شناسند. قدرت، خشونت نمادین، انسان‌شناسی و روابط میان ساختارهای تاریخی و کارگزاران شناسند. از نظر پیربورديو سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه با دوامی از روابط کما بیش نهادینه شده، آشنایی و شناخت متقابلین بین افراد، یا به بیان دیگر در گروه است؛ شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه اجتماعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندها می‌باشد (مبشری، ۱۳۸۸، ۱۴۰).

وی سرمایه را به چند مقوله تقسیم می‌کند: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین، که هر کدام از اینها را نیز می‌توان در پرتو فعالیتهای خاص به مقولاتی چون سرمایه عملی، حرفه‌ای، ادبی، دانشگاهی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی، فلسفی، اطلاعاتی و سرمایه آموزش تقسیم کرد (فاین، ۱۳۸۵، ۱۰۳-۱۰۲).

به طور کلی بورديو سه نوع سرمایه را شناسایی می‌کند. این اشکال سرمایه عبارتند از: شکل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. شکل اقتصادی سرمایه بلافاصله تبدیل به پول می‌شود. مانند دارایی‌های منقول و ثابت یک سازمان. سرمایه فرهنگی نوع دیگر

---

1. Ivan Light

سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد، مانند تحصیلات عالیه اعضای سازمان که این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و سرانجام شکل دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه های اقتصادی باشد (رحمانی و کاوسی، 1387، 133).

### سرمایه اجتماعی از دیدگاه جیمز کلمن

برخلاف بورديو جیمز کلمن<sup>1</sup> از واژگان مختلفی برای تعریف سرمایه اجتماعی کمک گرفت، وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داد و نه تعریف ماهوی، بر این اساس سرمایه اجتماعی شی ای واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش های معین افرادی را که در درون ساخت هستند تسهیل می کنند. سرمایه اجتماعی، مانند شکل های دیگر سرمایه مولد است و دست یابی به هدف های معینی را که در نبودن آن دست یافتنی نخواهد بود امکان پذیر می سازد. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً تعویض پذیر نیست، اما نسبت به فعالیتهای بخصوصی تعویض پذیر است. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل بخش های معینی ارزشمند است ممکن است برای کنش های دیگری بی فایده یا حتی زیانمند باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد (کلمن، 1386، 462).

به اعتقاد کلمن عواملی که سبب ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی می شوند، عبارتند از: کمک، ایدئولوژی، اطلاعات، هنجارها.

---

1. James Coleman

### سرمایه اجتماعی از نگاه رابرت پاتنام<sup>۱</sup>

سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند. به بیان دقیق‌تر سرمایه اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه، جدا شدن تقویت هنجارهای مستحکم بده‌بستان، تسهیل جریان اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به شرکت کنشگران و تجسم موفقیت‌های گذشته سعی دارد به تحقق کنش جمعی کمک کند (فیلد، 1386، 55).

پاتنام بین دو شکل اولیه سرمایه اجتماعی تمایز قائل می‌شود که عبارت است از: سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (یا جامع) و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (یا انحصاری). سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود (همان منبع، 56).

### سرمایه اجتماعی از نگاه فرانسیس فوکویاما

فرانسیس فوکویاما<sup>۲</sup> در تعریف سرمایه اجتماعی چنین می‌گوید: سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آنها مجاز می‌باشد، در آن سهم هستند که البته مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است، ارزش‌های منفی باشند (فوکویاما، 1379، 2).

فوکویاما در رابطه با سرمایه اجتماعی، هنجارهای اجتماعی را به دو بخش تقسیم می‌کند:

1. Robert putnam
2. Francis fukuyama



1- هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی که به ارتقای همکاری میان اعضای گروه منجر می شود و اساساً شامل سجایایی مثل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه می باشد.

2- هنجارهای غیر مولد که برخلاف هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی کمکی به ارتقای همکاری میان اعضای گروه نخواهد کرد.

محور صاحب نظران	تعریف سرمایه اجتماعی	هدف (رسیدن به...)	سطح تجزیه و تحلیل	شاخص ها
پیربردیو	منابعی هستند که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می دهند	سرمایه اقتصادی	افراد در حالت رقابت با هم (فرد به فرد)	- عناوین - دوستی ها - نام ها - پیوندها - عضویت ها - شهروندی
جیمز کلین	جنبه هایی از ساختار اجتماعی است که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می کنند.	سرمایه انسانی	افراد در گروه - های فامیلی و اجتماعی (فرد یا گروه)	اندازه خانواده - حضور والدین در خانواده - تحرک خانواده - انتظار مادر از آموزش فرزندان
رابرت پاتنام	اعتماد، هنجارها، و شبکه هایی که تسهیل کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است	دموکراسی و توسعه اقتصادی	حکومت های سیاسی در سطح ملی (گروه یا حکومت ملی)	عضویت در سازمان های داوطلبانه - مشارکت آزادانه - خواندن روزنامه و عضویت آن
فرانسیس فوکویاما	مجموعه ای از هنجارها یا ارزش های غیررسمی که شامل ارزش های مثبت و منفی هستند		جوامع و فرهنگها	- انحرافات اجتماعی - جرم و جنایت - فروپاشی خانواده - فرار از پرداخت مالیات - مصرف مواد مخدر - دادخواهی

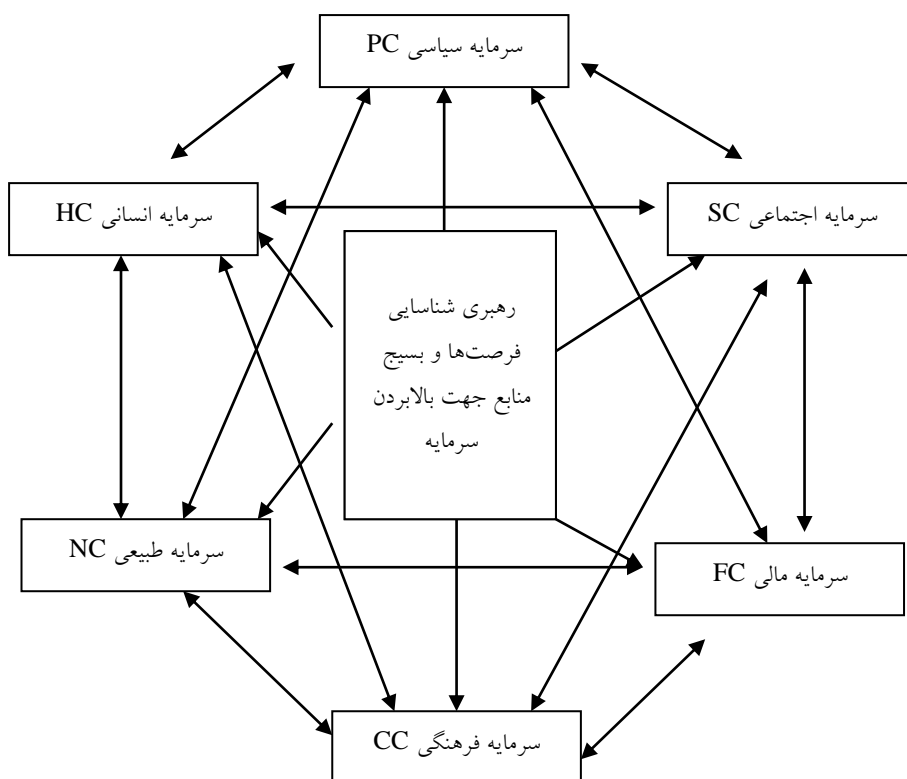
منبع: <http://www.fasleno.com/archives/00311/php>

## تعریف سرمایه و انواع آن

سرمایه از ریشه Cap به معنای سر، اساسی، اصلی و بزرگ است. در نخستین نگاه سرمایه عبارت است از: جوهره، مایه اصلی و ثابت داده‌ها و داشته‌ها که می‌تواند «مادی» یا «معنوی» باشد. در فرهنگ لغات وبسترز، سرمایه هم به معنای مادی و هم به معنای معنوی آن درج شده است. از نظر اقتصادی، سرمایه به ثروت‌ها و داشته‌هایی اطلاق می‌گردد که انسان برای رفع نیازمندی خود به کار نمی‌برد، بلکه آن را به منظور تولید ثروت جدید فعال می‌نماید (اختر محقق، 1385).

سرمایه معنای گسترده‌تری از آنچه می‌اندیشیم دارد. سرمایه تنها شامل مال و ثروت، پول و دارایی نیست، بلکه توانایی‌ها، استعدادها، علاقه‌مندی‌ها و حتی بینش یک فرد نیز جزء سرمایه‌های او به شمار می‌رود.

از نظر فلورا (2000) سرمایه عبارت است از منابع سرمایه‌گذاری شده جهت ایجاد منابع جدید در افق زمانی بلندمدت. از نظر وی سرمایه دارای شش بعد به شرح ذیل است:



## سرمایه انسانی<sup>۱</sup> و ابعاد آن

### 1- سرمایه انسانی<sup>۱</sup> و ابعاد آن

سرمایه انسانی به فاکتورهایی نظیر تحصیلات، معلومات و آموزه ها و مهارت های کاری اطلاق می شود، که اگرچه سرمایه متعارف یا فیزیکی نیستند، اما قابلیت تبدیل به آن را دارند. اهمیت این سرمایه به حدی است که آن را مکمل «سرمایه اجتماعی» می دانند و از سرمایه انسانی، به عنوان ابزاری برای رسیدن به «سرمایه اجتماعی» یاد می کنند. در تئوریهای جدید توسعه معمولاً به این سرمایه توجه خاصی شده؛ چرا که تجارب نشان داده اند که سازمان و اموال در چارچوب انسان و نوع رفتار او معنا و مفهوم می یابند.

ابعاد سرمایه انسانی: آموزش، مهارت ها، سلامتی، ارزش ها، رهبری (فلور، 2000).

### 2- سرمایه طبیعی<sup>۲</sup> و ابعاد آن

به منابعی اطلاق می شوند که می توانند به عنوان مواد خام در یک فرآیند استفاده شوند. به عبارتی فراهم کننده منابع تجدید شدنی و تجدید نشدنی طبیعی است. این سرمایه توسعه پایدار، واکوسیستم های پایدار با اجتماع سودآور چندگانه را مدنظر قرار می دهد. ابعاد سرمایه طبیعی: هوا، آب، خاک، گیاهان و حیوانات، دور نما، چشم انداز (همان، 2000).

### 3- سرمایه مالی<sup>۳</sup> و ابعاد آن

این نوع از سرمایه به پشتوانه مالی یک فعالیت اشاره دارد که شامل گونه های مختلف پول و اعتبارات می شود. از آنجا که تأمین هزینه ها به عنوان ضرورت

---

1. Human Capital  
2. Natural Capital  
3. Finance Capital

انکارناپذیر فعالیتهای خودکلان شناخته می‌شود، میزان این سرمایه می‌تواند در گستره و نوع فعالیتها و نتایج حاصله تأثیرگذار باشد.

ابعاد سرمایه مالی: بدهی سرمایه، ارزش سرمایه، درآمد مالیاتی، پس انداز، تخفیف مالیاتی، اهداء (بخشش)

از نظر کلمن سرمایه اجتماعی نوعی از سرمایه است که مانند دیگر اشکال آن مولد بوده و امکان دست یابی به هدفهای معینی را که در نبودن آن دست یافتنی نخواهد بود امکان پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی سبب می‌شود تا هزینه‌های دستیابی به اهداف معین کاهش یابد اهدافی که در نبود سرمایه اجتماعی دستیابی به آنها تنها با صرف هزینه‌های زیاد امکان پذیر است (کلمن، 1386، 462).

#### 4- سرمایه سیاسی<sup>۱</sup> و ابعاد آن

سرمایه سیاسی عبارت است از: «توانایی گروه جهت نفوذ و اثرگذاری در توزیع منابع برای واحدهای اجتماعی، شامل کمک کردن و برنامه کاری جهت اینکه چه منبعی در اختیار هستند». ابعاد سرمایه سیاسی: سازمان، ارتباطها، صدا، قدرت (فلور 2000). از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی است. پاتنام بر اعتماد تأکید زیاد می‌کند از نظر او اعتماد و ارتباط متقابل در شبکه‌های اجتماعی به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضاء جامعه موجود می‌باشند.

#### 5- سرمایه فرهنگی<sup>۲</sup> و ابعاد آن

سرمایه فرهنگی تعیین می‌کند که جهان را چگونه ببینیم، چه چیزی جهت ارائه به دست آوریم، جهت تغییر به چه چیزهایی بیندیشیم» از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به

---

1. Political Capital  
2. Cultural Capital

سه شکل می تواند وجود داشته باشد:

- 1- در حال متجسد یا تجسم یافته<sup>۱</sup>، که خصائل دیرپای فکری و جسمی را شامل می شود
  - 2- در حالت عینیت یافتگی<sup>۲</sup> یا عینیت یافته، که به شکل کالاهای فرهنگی چون: تصاویر، کتاب ها، لغت نامه ها، ادوات، ماشین آلات بروز می کند 3- نهادینه شده<sup>۳</sup> که از طریق مدارک واقعی و دیگر شواهد پایگاه فرهنگی، بازنمایی می شود (تاجبخش، 1389، 137).
- به عقیده بوردیو در هر میدانی میان بازیگران یا گروههای اجتماعی چهار نوع سرمایه رد و بدل می شوند که عبارتند از:

### 1- سرمایه اقتصادی<sup>۴</sup>:

سرمایه اقتصادی در درون میدان اقتصادی وجهی غالب دارد. میدانی که در آن توزیع و مبارزه بر سر منابعی چون درآمد، زمین و داراییهای مالی، همچون ابزاری برای تأمین سود است. پس «سرمایه اقتصادی، سرمایه ای است شامل منابع، درآمد و داراییها که در حقوق مالی متبلور می شود». (تقلانی، 1385، 21)

اهمیت سرمایه اقتصادی برای بوردیو از آن رو بود که او نرخ تبدیل پذیری این گونه سرمایه را در سنجش با دیگر سرمایه ها بالا می دانست.

بوردیو در مورد رابطه میان منابع اقتصادی و دیگر منابع کند و کاوهایی کرده است. برای نمونه این موضوع را بررسی کرده است که سرمایه اقتصادی چگونه می تواند به سرمایه فرهنگی یا آموزشی تبدیل شود (بوردیو، 1994) البته او به بررسی خود میدان اقتصادی علاقه ای نداشت و می گفت این وظیفه را به عهده دیگران می گذارد زیرا علاقه خود او معطوف به سرمایه های فرهنگی و اجتماعی است. (بوردیو، 1984)

- 
1. Embeddable
  2. Objectified
  3. organize
  4. Economic Capital

## 2- سرمایه فرهنگی<sup>۱</sup>

منابع فرهنگی دربرگیرنده کارهای نمادی گوناگون همچون زبان، ادب و نزاکت، ذوق و سلیقه، معرفت و مهارت است. این منابع فرهنگی را زمانی می‌توان «سرمایه» شمرد که همانند منابع اقتصادی بتوان آنها را برای به دست آوردن «سود» فرهنگی به کار برد. سودی که می‌توان آن را انباشت و به دیگر گونه‌های سرمایه تبدیل کرد (لوپزو اسکات، 1385، 138).

## 3- سرمایه نمادی<sup>۲</sup>

سرمایه نمادی به هرگونه دارایی گفته می‌شود (سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و...) که دسته‌ای از اعضای اجتماع آن را در می‌یابند، به رسمیت می‌شناسند و برای آن ارزش قائل می‌شوند ([www.fakohi.com](http://www.fakohi.com))

به سخن دیگر نقش کلیدی سرمایه نمادی، مشروعیت بخشیدن به گونه‌های دیگر سرمایه است، سرمایه نمادی تنها در برداشته‌های ذهنی وجود دارد گسترش می‌یابد و درک می‌شود.

از دید بوردیو سرمایه نمادی اگر با مکانیسم‌های پنهان و به گونه مقولاتی یکسره طبیعی جلوه‌کننده به کار گرفته شود، به خشونت نمادی می‌انجامد (بویژه در بوروکراسی دولتی و در رسانه‌ها مانند تلویزیون). (بوردیو، 1970)

## 4- سرمایه اجتماعی<sup>۳</sup>

یعنی شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی که هر فردی در اختیار دارد و شامل همه

- 
1. Cultural Capital
  2. Symbolic Capital
  3. Social Capital

منابع واقعی و بالقوه‌ای است که می‌توانند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران یا سازمان‌ها به دست آیند (تاجبخش، 1389، 147).

### مقایسه سرمایه اجتماعی با سرمایه فیزیکی و انسانی:

شاید مهمترین پیشرفت در اقتصاد آموزش و پرورش در سی سال گذشته این اندیشه بوده است که مفهوم سرمایه فیزیکی به گونه‌ای که در ابزارها، ماشین‌آلات و دیگر وسایل تولیدی تجسم یافته است، می‌تواند بسط یابد و شامل سرمایه انسانی نیز بشود. همانطور که سرمایه فیزیکی با ایجاد تغییرات در مواد برای شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کنند به وجود می‌آید، سرمایه انسانی با تغییر دادن افراد برای دادن مهارت‌ها و تواناییهایی به آنها پدید می‌آید و افراد را توانا می‌سازد به شیوه‌های جدید رفتار کنند. سرمایه اجتماعی به نوبه خود هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون می‌شود که کنش را تسهیل می‌کند. سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است و به صورت مادی و قابل مشاهده تجسم یافته است. سرمایه انسانی کمتر ملموس است، و در مهارت‌ها و دانشی که فردی کسب کرده است تجسم می‌یابد، سرمایه اجتماعی حتی کمتر از این محسوس است، زیرا در روابط میان افراد تجسم می‌یابد. سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی فعالیت تولیدی را تسهیل می‌کنند و سرمایه اجتماعی نیز همانند آنها عمل می‌کند، مثلاً گروهی که اعضایش قابلیت اعتماد نشان می‌دهند و به یکدیگر اعتماد زیاد می‌کنند، خواهد توانست کارهایی بسیار بیشتر از گروهی که فاقد آن قابلیت اعتماد و اعتماد است انجام دهد (کلمن، 1386، 465-464).

### 6- سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

تصور نمایید تعداد زیادی نیروی انسانی حول معدنی در دشت دور افتاده اجتماع نمایند. یعنی سرمایه انسانی و سرمایه اقتصادی و تا حدودی سرمایه‌های فرهنگی و

ارتباطات فراهم گردد. ولی یک حلقه واسط که سرمایه‌های مطرحه را با هم متصل و فعال نماید هنوز مفقوده است و آن سازمان دادن نیروها، ایجاد اعتماد، ارتباط و حلقه بین نیروها و با محیط جدید است. در واقع فراهم آوردن زمینه‌ها، متصل کردن حوزه‌های اجتماعی - سیاسی در راستای توسعه کمی و کیفی جامعه، تحقق جامعه مدنی و برقراری تحکیم دموکراسی، سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود. رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی می‌داند که موجب ارتباط و مشارکت اعضای یک جامعه می‌شود و منافع متقابل آنها را تأمین می‌کند. فوکویاما سرمایه اجتماعی را یک هنجار اجتماعی می‌خواند که همکاری دو یا چند نفر را تقویت می‌نماید و آن را ویژگی عمل متقابل دو دوست محسوب می‌کند. از نظر او سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه هنجارهای موجود، در نظام اجتماعی که موجب بالا رفتن سطح همکاری اعضای جامعه و پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد (رحمانی و کاوسی، 1387، 36).

بانک جهانی سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است. تجارت موجود نشانگر تأثیر مثبت این پدیده بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف است (اختر محقق، 1385، 5).

به طوری که مشاهده می‌شود فوکویاما از منظر فرهنگ، پاتنام در حوزه علوم سیاسی و هر دو با تأکید بر ویژگی‌ها و عناصر سرمایه اجتماعی به آن نگرستند، کلمن از زاویه آموزش و پرورش و با تأکید بر نقش و کارکرد سرمایه اجتماعی در سطوح خرد، میانه و کلان بدان پرداخته است. منظور از سطح خرد مجموعه ارتباطات افقی (ارتباطات بین اعضای هم سطح) است که بین افراد، خانواده‌ها، دوستان و همسایگان جریان دارد. منظور از سطح میانی، مجموعه روابط فرا فردی است. یعنی ارتباطات بین انجمن‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات، سازمانها و احزاب سیاسی است. سطح کلان شامل



ساختار و روابط نهادهای رسمی، قوای مجریه، قضائیه و سیستم های حقوقی و آزادی های مدنی است. در واقع سطح میانی، اعضاء را برای اهداف و کنش های خاص مرتبط با اهداف آن سازمان گرد آوری و به هم نزدیک نموده و منسجم می نماید. هر چه تعداد واحدهای سطح میانی بیشتر و ساختار آن ها گسترده باشد، کنش جمعی در صحنه پویاتر و دموکراسی پخته تر و بالغ تر می گردد. اما تفاوت انجمن ها با سرمایه اجتماعی این است که، انجمن ها (یا احزاب) اغلب اعضاء را برای اهداف و کنش های خاص و مرتبط با اهداف خود گرد می آورند ولی در سرمایه اجتماعی به صحنه آوردن افراد برای نشان دادن کنش های جمعی مرتبط با هر نوع هدف می باشد (غفوری و جعفری، 1385، 224).

### مؤلفه ها و عناصر سرمایه اجتماعی

آنتونی گیدنز در کتاب پیامدهای مدرنیته می نویسد: در دهه 1980، نقش افراد در جامعه براساس «مرد» یا «زن» تثبیت می شد، ولی اکنون باید نقش ها را بر مبنای ارتباط ارزیابی و قضاوت نمود.

**اعتماد:**<sup>1</sup> او می گوید: برای برقراری ارتباط باید «اعتماد» ایجاد کرد. برای ایجاد اعتماد عمومی باید شرایطی فراهم شود تا مردم یک کشور بتوانند در کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت کنند. باید برای رفع تضادها و نابسامانیها در برقراری نظم<sup>2</sup> و ثبات<sup>3</sup> در محیط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه تلاش نمود. اعتماد عمومی در چارچوب روابط صحیح، عادلانه و منصفانه شکل می گیرد. او از بارزترین دانشمندانی است که با صراحت حرکت به سوی توسعه<sup>4</sup> را از منظر

- 
1. Trust
  2. order
  3. stability
  4. Development

اعتماد می‌نگرد. از نگاه او اعتماد را اتکاء یا اطمینان به نوعی کیفیت و یا صفت یک شخص، و یا ایمان به حقیقت یک گفته می‌داند (گیدنز، 1377، 37).

زوکِر (1986) به سه نوع متفاوت از اعتماد اشاره می‌کند: اعتماد خصیصه محور که به پیشینه اجتماعی یا فرهنگی شخص پیوند دارد، اعتماد فرآیند محور که به مبادلات گذشته و حال ارتباط دارد (مانند آنچه در وجهه و اعتبار و مبادله هدایا وجود دارد،) و اعتماد مبتنی بر نهاد، که به اشکال تأیید یا محدودیت‌های قانونی مرتبط است. به همین ترتیب در جوامع مدرن، گذاری وجود داشته است از «اعتماد مبتنی بر خصیصه فردی به اعتماد مبتنی بر فرآیند و تجزیه و سپس به اعتماد نهادی که از عمومیت بیشتری برخوردار است» (تونیکس، 1387، 221).

اعتماد به سطحی از اطمینان مردم برمی‌گردد که دیگران همانطور که می‌گویند عمل می‌کنند، یا همانطور که می‌گویند انتظار می‌رود عمل کنند، یا اینکه آنچه می‌گویند قابل اعتناست. سطح اعتماد فرد به دیگری به مقدار زیادی تصور فرد از اعتماد شدن به او بستگی دارد. اگر چه مردم می‌توانند اعتماد را در دیگران ایجاد کنند. در حالی که اعتماد می‌تواند به افراد مربوط باشد، می‌تواند به گروهها و نهادها در یک جامعه از جمله دولتها هم مربوط باشد. بسیاری از نویسندگان اعتماد را به منزله یک عنصر سرمایه اجتماعی می‌دانند، دیگران آن را به منزله یک منبع یا پیامد مهم سرمایه اجتماعی می‌دانند، اما از محسوب کردن اعتماد به جای خود سرمایه اجتماعی برحذر می‌دارند (نصیری، 1386، 20).

**اخلاقیات:** بسیاری از صاحب نظران معتقدند که در زمان حاضر، غالب جوامع بشری به بحران اخلاقی و مشکلات ناشی از بی‌توجهی به ارزش‌های انسانی و معنویان دچار شده‌اند. این وضعیت در همه کشورهای جهان کن و بیش وجود دارد، لیکن در جوامعی که غالب مردم یا از ثبات نسبی اقتصادی یا حداقل امکانات زندگی و رفاهی بی‌بهره‌اند، نادیده گرفتن ارزش‌ها و اصول اخلاقی بیشتر به چشم می‌خورند. در این

جوامع به منافع و صلاح جامعه چندان اهمیت داده نمی شود و بیشتر کسب سود مد نظر است. شماره تخلفات در امور بازرگانی و داد و ستد و تعداد شکایات و نارضایتی های روزافزون است و کنترل اجتماعی نیز چندان اعمال نمی شود. آنچه امروزه باید عمیقاً بدان توجه شود و به مرحله اجرا درآید، نقش سازنده سازمان ها در آموزش وظایف و مسئولیت های اجتماعی و اخلاقی است که جامعه به آن نیاز دارد. برنامه ریزی جامعه و مستمر در زمینه آموزش، تغییر نگرش و دیدگاههای اخلاقی در جهت منافع و خیر و صلاح جامعه می تواند به تدریج در شیوه تفکر افراد جامعه و نهایتاً در مؤسسات و سازمان های گوناگون هر جامعه اثر سازنده بر جای می گذارد.

ارزش ها و اصول اخلاقی بعدی از ابعاد سرمایه اجتماعی است که با تقویت آنها در سازمانها می توان به میزان سرمایه اجتماعی افزود که نتیجه آن دستیابی به بهره‌وری بیشتر از منابع و از جمله از سرمایه انسانی است (نجف بیگی، 1380).

**اطلاعات:** اطلاعات مؤثرترین و کارآمدترین ثروت و سرمایه هر ملت است. ثروتی که برخلاف ثروت های دیگر از بین نمی رود و هرچه مصرف شود قویت تر و کامل تر می شود. اطلاعات میزان دانشی است که اعضای شبکه اجتماعی از یکدیگر دارند (بهرامی، 1381، 3). فوکویاما معتقد است که قبل از ورود به هر سیستم تجاری یا اجتماعی، باید آگاهی کافی درباره، شبکه های اعتماد موجود در آن سیستم و ویژگی های آن را به دست آورد، زیرا اعتماد را پایه هر گونه مبادلات اقتصادی و اجتماعی می داند (علوی، 1380، 34).

**مشارکت!** وجود شبکه های مشارکت به عنوان حوزه های تولید کننده سرمایه اجتماعی بیشترین توجه را در ادبیات نوسازی و توسعه سیاسی به خود معطوف کرده است. از آنجایی که شیوهی تعاملات اعضای شبکه بر مبنای ارتباطات زبانی است، شبکه های مشارکت اجتماعی ای موفق هستند که در آنها لکت زبان نباشد، افراد بر

مبنای سخن و کلام با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند و به منطق کلام، مسائل طرفین را حل و فصل کنند (صالحی امیری، 1387، 13).

به طور کلی، تعدد شبکه های مشارکت اجتماعی در هر گروه، سازمان یا جامعه ای بیانگر میزان سرمایه اجتماعی آن است. لذا هر چقدر شبکه های مشارکت در یک گروه، سازمان یا جامعه ای گسترده تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز غنی تر است (علاقبند، 1384، 3).

در قرآن نیز به شور و شورا به صورت های گوناگون اشاره شده است. از جمله در آیه: «و الذین استجابوا للربهم و اقاموا الصلوه و امرهم شوری بینهم و هما رزقناهم ینفقون»<sup>۱</sup> «و آنان که دعوت پروردگار را اجابت کردند و نماز را بر پای داشتند و کارشان مشورت با یکدیگر است و از آنچه به آنها روزی دادیم، انفاق می کنند». این آیه است که حکم شورا شاید به دلیل اهمیت بر خود سوده اطلاق شده است. این سوره جزء سوره های مکی است. یعنی زمانی که هنوز اسلام به صورت یک حکومت و یک جامعه در نیامده بود. این امر حاکی از آن است که مسئله شورا نه تنها زمانی که اسلام حکومت تشکیل می دهد، جامعه اسلامی را به وجود می آورد و تصمیم گیری های بزرگ اجتماعی دارد، بلکه زمانی که هنوز به صورت محدود مطرح است و مراحل اولیه رشد را طی می کند، نیز اهمیت داشته و خداوند از همان زمان از پیامبر (ص) می خواهد کارها را براساس شور و تبادل نظر انجام دهد. این سوره اهمیت شورا را تا آنجا پیش می برد که انجام امور را براساس شورا جزئی از صفات مؤمنان به حساب می آورد و آن را در کنار برپا داشتن نماز قرار دهد (جاسبی، 1380، 125).

## انسجام اجتماعی<sup>۲</sup>

امیل دورکیم، از اولین جامعه شناسانی است که مفهوم انسجام و همبستگی اجتماعی

1. سوره شوری آیه 38

را مورد مطالعه قرار داده است و وجود آن را برای هر جامعه‌ای لازم می‌داند. او در کتاب معروف خود «تقسیم کار اجتماعی» علت اصلی انتقال جوامع از حال سستی به حال مدرن را از بین رفتن پیوندهای کهنه مبتنی بر انسجام مکانیکی می‌داند. در نظر وی، جوامع مدرن مبتنی بر انسجام ارگانیکی هستند، زیرا انسجام مکانیکی می‌داند. در نظر وی، جوامع مدرن مبتنی بر انسجام ارگانیکی هستند، زیرا انسجام مکانیکی در جایی حاکم است که افراد تفاوت بسیار اندکی با هم دارند، دارای ارزش‌ها و اهداف مقدس واحدی هستند و فعالیت‌های اقتصادی مشابهی را ایفا می‌کنند (ازکیا، 1377، 76 و 75).

دورکیم معتقد است: زمانی که جمعیت جامعه‌ای افزایش یابد میزان کنش‌های متقابل افراد و روابط آنها با یکدیگر نیز افزایش می‌یابد و متنوع‌تر می‌شود. رشد و افزایش معاملات افراد، به پیچیدگی و تخصصی‌تر شدن تقسیم کار و تراکم اخلاقی می‌انجامد و به تعبیر گی‌روشه: «به ناچار از این جریان تحرک عمومی، درجه بسیار بالایی از فرهنگ حاصل خواهد شد» (روشه، 1371، 42).

بنابراین همین شدت روابط، تمدن را در جوامعی می‌سازد که انسجامش از انواع ارگانیکی است. جان‌اتان ترنر به نقل از دورکیم می‌گوید: «انسجام وقتی رخ می‌دهد که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند جایی که افراد متصل به جماعت، اجتماعی شده باشند، کنش‌ها به وسیله هنجارها تنظیم شده باشند و جایی که نابرابری‌ها قانونی تصور می‌شوند» (ترنر، 1370، 437).

انسجام اجتماعی، یا انسجام نظام مند، ارتباط و وابستگی اجزای نظام اجتماعی، در سطح و ابعاد مختلف، شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این ارتباط و وابستگی چندگانه می‌تواند در هر جامعه به ارتباط سیاسی (رابطه قدرت)، ارتباط گفتمانی (ارتباطات جمعی)، ارتباط اقتصادی (ارتباط کارگر و کارفرما-ارتباط بنگاه‌های واسطه‌ای و مصرف‌کننده‌ها)، ارتباط عاطفی (خانواده و دوستان)، تقسیم شود. (چلبی، 1378، 19).

**هنجارها:** هنجارهای اجتماعی برداشت‌ها، قواعد و رسوم غیررسمی مشترک است که رفتارهای معینی را در اوضاع تجویز، ممنوع یا تعدیل می‌کند. هنجارهای اجتماعی می‌تواند مسئولیت‌پذیری، احترام به قانون، اخلاق حرفه‌ای، احترام به بزرگترها، تحمل و پذیرش تنوع و کمک به مردم نیازمند را به هنگام نیاز دربرگیرد. هنجارهای اجتماعی می‌تواند به وضعیت‌های خاص هم مربوط شود؛ پرداخت به موقع عوارض به ردیف ایستادن در صف خرید، بازگرداندن مالکیت از دست رفته دیگری، جا دادن به پیرترها در وسایل حمل و نقل عمومی و اشکال احوال‌پرسی. هنجارهای اجتماعی اغلب نانوشته‌اند، اگرچه آنها از طریق اعتقادات سنتی و مذهبی و ضرب‌المثل‌ها، اشعار کودکانه، گفتارهای عوامانه موسیقی و قصه‌ها می‌توانند بیان یا تقویت شوند. در برخی تفاسیر، هنجارهای اجتماعی در قوانین و مقررات خودشان را می‌توانند نشان دهند. هنجارهای اجتماعی اغلب الگوهای رفتاری قابل پیش‌بینی تر یا مفید تر را از اشخاص، در جامعه تسهیل می‌کنند. هچروآپ (2001) بیان می‌کنند: «بدون هنجارها تصور اینکه چگونه تعامل و تبادل نظر بین غریبه‌ها اتفاق می‌افتد، مشکل است». جوامع مختلف هنجارهای اجتماعی مختلف دارند. برخی هنجارهای رایج جوامع غربی مشخصاً از هنجارهای دیگر در کشورهای در حال توسعه متفاوت است. در جایی که برخی هنجارهای اجتماعی در سطح گسترده جامعه عمل می‌کنند، گروه‌های مختلف در یک جامعه مشخص می‌توانند مجموعه‌ی هنجارهای خاص خود، اغلب قوی تر را هم داشته باشند. پیروی از هنجارهای اجتماعی ممکن است از طریق مجازات‌های روانی درونی، مانند احساس گناه یا مجازات‌های بیرونی مانند خجالت و طرد تقویت شود. در برخی گروه‌ها یا جوامع، هنجارها از طریق مجازات‌های فیزیکی یا تهدیدها تقویت شود. هنجارهای اجتماعی غیررسمی می‌توانند به عنوان مکمل برای یا حتی جایگزینی سنجی برای قوانین، و فرآیندهای تقویت‌کننده‌ی مرتبط عمل کنند (نصیری، 1386، 17-18).

**دین و ایدئولوژی:** دین می تواند نقش مهمی در ایجاد سرمایه اجتماعی بازی کند. بسیاری از مذاهب با ترویج ارزش هایی نظیر مشارکت، صداقت، اعتماد و ایثار موجب می شوند سرمایه اجتماعی بالایی در بین پیروان خود ایجاد شود. هرچند ادیان و مذاهب در این زمینه می توانند موفق باشند که علاوه بر ایجاد اعتماد داخلی، زمینه برقراری روابط مفید و مؤثر را با گروه ها و مذاهب دیگر اجتماعی فراهم سازند. در حالت عکس نیز فرقه گرایی می تواند موجب بحران های اجتماعی و خشونت شود. اما به هر حال ادیان در گذشته، حال و آینده قطعاً نقشی جدی را در سرمایه اجتماعی داشته و خواهند داشت (فوکویاما، 1999). ایدئولوژی می تواند با تحمیل این خواست به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی به وجود آورد. این امر در اثراتی که ایدئولوژی مذهبی در وارد کردن افراد، با توجه به منافع دیگران دارد آشکار است. تأثیر غیر مستقیم و نسبتاً شگفت انگیزی از مقایسه مدارس مذهبی و غیر مذهبی ملاحظه شده است. مدارس خصوصی وابسته به سازمان های مذهبی در آمریکا به رغم معیارهای انضباطی انعطاف ناپذیرترشان، ترک تحصیل بسیار کمتری از مدارس خصوصی غیر مذهبی یا مدارس دولتی دارند. علت آشکار، سرمایه اجتماعی در دسترس مدرسه ی وابسته به سازمانهای مذهبی است که بیشتر مدارس دیگر، خصوصی یا دولتی، وجود ندارد. این امر تا اندازه ای به ارتباطات اجتماعی - ساختاری بین مدرسه و والدین، از طریق اجتماعی مذهبی بستگی دارد که هر فردی از نظر خداوند مهم است. همچنین شیوه هایی وجود دارد که به کمک آنها ایدئولوژی می تواند اثر منفی بر ایجاد سرمایه ی اجتماعی داشته باشد. ایدئولوژی خود بسندگی، مانند آنچه طرفداران اپیکور در یونان باستان به آن اعتقاد داشتند یا یک ایدئولوژی که بر رابطه جداگانه و مستقل هر فرد با خداوند تأکید می کند، که عمدتاً اساس آیین پروتستان را تشکیل می دهد می تواند از ایجاد سرمایه اجتماعی جلوگیری کند (کلمن 1386، 491 و 490).

امنیت: امنیت انسانی از مهم‌ترین مشخصه‌های رفاه اجتماعی تلقی می‌شود، به نحوی که محور اصلی توسعه پایدار در قرن حاضر را امنیت انسانی تشکیل می‌دهد که براساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال‌های 1994 و 1998 میلادی، جنبه‌های امنیت شغلی، امنیت از جهت درآمد، سلامت جسمی و روانی و امنیت زیست‌محیطی را نیز در بر می‌گیرد. اما به طور کلی برخی از تعاریف رایج برای واژه امنیت به شرح زیر می‌باشند:

- امنیت پیش‌نیازی برای ابقاء و ارتقای رفاه و سلامت مردم است.
  - امنیت یک حق بنیادین انسانی است.
  - امنیت حالتی است که در آن خطرات و شرایطی که منجر به صدمات فیزیکی، روانی یا جسمی می‌شوند، کنترل شده تا سلامت و رفاه اشخاص را حفظ نمایند.
  - امنیت یک منبع ضروری برای زندگی هر روزه، برآوردن نیازهای اشخاص و جوامع در راستای ارتقای اشتیاق و آمال عمومی مردم است (ضابطیان و خدایی، 1388، 81).
- فرد با پیوستن به گروه از تنهایی نجات پیدا می‌کند، شک و تردیدی که از خود دارد، کاهش می‌یابد و در برابر تهدیدات، بهتر مقاومت می‌کند (سیمی، 1381، 25).
- با نگاهی به سیر تحول الگوهای تأمین امنیت ملی می‌توان بین دو دیدگاه سلبی و ایجابی از یکدیگر تفاوت قایل شد. در حالی که دیدگاه سلبی بر نبود «تهدید» تأکید دارد و امنیت را وضعیتی تلقی می‌کند که در جامعه نسبت به ارزش‌های حیاتی بازیگر وجود نداشته باشد، دیدگاه ایجابی آن را وضعیتی خاص می‌داند که نبود «تهدید» تعادلی بین «خواسته‌های شهروندی» و «کار ویژه‌های دولتی» وجود داشته باشد. متأثر از همین تفاوت در دیدگاه است که امنیت در دیدگاه سنتی بیشتر صبغه «نظامی» یافته و پدیده‌هایی چون «جنگ و نزاع» در کانون آن قرار دارند اما دیدگاه ایجابی ماهیتی متفاوت و معطوف به «مردم» دارد. بدین صورت که ایجاد «رضایتمندی» در کسب اعتماد مردم، مبنای اصلی «امنیت» به شمار می‌آید.



براین اساس مشخص می‌شود که مطالعات و برنامه‌های امنیتی در سال‌های پایانی قرن بیستم متوجه مقولاتی چون «سرمایه اجتماعی» شده‌اند و حتی معادلات و توانمندی‌های نظامی و فن‌آوری در همین چارچوب فهم و تجزیه و تحلیل می‌نمایند. به عبارت دیگر، تأمین امنیت بدون داشتن اعتماد قابل توجهی در حوزه اجتماعی میسر نبوده و یا حداقل بسیار دشوار خواهد بود (افتخاری، 1384).

### رابطه سرمایه اجتماعی و سیاستگذاری

ویژگی بین‌رشته‌ای مفهوم سرمایه اجتماعی، ائتلاف گسترده‌ای از دانشمندان رشته‌های مختلف دانشگاهی را موجب شده است که تمامی آنها بر موضوعات مرتبط با سیاستگذاری چون بهداشت، جرم، تجدید نسل، اشتغال و پیشرفت آموزشی تمرکز دارند. از لحاظ کردن شبکه‌ها و هنجارهای مشترک به عنوان شکلی از سرمایه، توجه عده‌ای از اقتصاد دانان را جلب کرده و درهای معمولاً بسته و محفل مباحث جدی مربوط به خط‌مشی‌ها را باز نموده است. زبان سرمایه در بین مخاطبانی بی‌شمار استفاده عملی پیدا کرده است: اگر شما بتوانید سرمایه داشته باشید، می‌توانید عاقلانه آن را سرمایه‌گذاری کنید یا اینکه آن را در زیر تشک خود پنهان کرده و منتظر کاهش روز به روز ارزش آن باشید. ایده و زبان سرمایه اجتماعی سکوی مشترک گسترده‌ای را برای گفتگو بین سیاستگذاران و دانشگاهیان فراهم آورده است. تمایل رابرت پاتنام برای مشارکت در بحث سیاست، کاملاً معروف است (فیلد، 194-193). گرایش فزاینده‌ای برای مفهوم «سرمایه اجتماعی» و پیامدهای آن برای رفاه جامعه و سیاستگذاری عمومی وجود دارد و ورود این مفهوم به عرصه عمومی از انتشار مطالعه‌ای در سال 1993 آغاز شد که نشان داد، سرمایه اجتماعی بیشتر می‌تواند نهادهای دموکراتیک را کارا تر کند (پوتنام، 1993).

یک مطالعه پیشتر نشان داده بود که سرمایه اجتماعی ممکن است برای توسعه سرمایه انسانی فردی مهم باشد (کلمن، 1988) و مطالعات اخیر به دنبال ایجاد

پیوندهای بین سرمایه اجتماعی و دیگر موضوعات اجتماعی و اقتصادی بوده است. بانک جهانی (2002) «شواهد فراوانی» را گزارش کرده است که سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمی در کاهش فقر و توسعه پایدار انسانی و اقتصادی دارد. بررسی های سرمایه اجتماعی به سه طریق در تجزیه و تحلیل سیاستگذاری وارد شود. نخست، بسیاری از سیاستگذاری ها و برنامه های فعلی به عنوان یکی از اهداف اصلی شان توسعه اشکال سرمایه اجتماعی را دارند. حتی اگر اهداف عینی شان همیشه در چنین بیانی نیامده باشد. چنین سیاستگذاری هایی در حوزه هایی مانند آموزش، تأمین رفاه، خدمات خانواده و ناحیه، ورزش و هنر، ارتباطات و تأمین خدمات اساسی ایجاد می شود.

دوم، برخی سیاستگذاری ها و برنامه های دولت، اگرچه به طور خاص بر سرمایه اجتماعی متمرکز نیست، می تواند بر آن اثر بگذارد. مثلاً قوانین مسئولیت عمومی برای ایجاد انگیزه برای شرکت ها و سازمان ها در عملکرد ایمن و تأمین سازوکاری برای جبران افرادی که از حوادث رنج می برند وضع می شوند.

سوم، حضور سرمایه اجتماعی عظیم ممکن است دامنه گزینه های خط مشی فراروی دولت را گسترش دهد. تقویت و مهار سرمایه اجتماعی در برخی موارد ممکن است از وابسته شدن به خدمات اجتماعی با پشتیبانی مالی دولت اثر بخش تر باشد (نصیری، 1387، 3-4).

با توجه به مطالعاتی که تا کنون انجام گرفته است آنچه مسلم است این است که دولت ها می توانند در تشکیل یا افزایش انباره اشکال سودمند سرمایه اجتماعی دخالت داشته باشند. البته باید در نظر داشت که در ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی کارآمد عوامل زیادی از قبیل عوامل فرهنگی و تاریخی دخالت دارند و در نتیجه اثر گذاشتن بر انباشت این سرمایه گذاری و به عبارتی سرمایه گذاری بر روی آن زمان بر و هزینه بر خواهد بود. در عوض عدم توجه کافی دولت ها بر آثار ناشی از وضع و اجرای سیاست های خاص بر ارتباطات اجتماعی و چگونگی انتقال منابع و قدرت میان اقشار

و گروه‌های مختلف جامعه می‌تواند به سهولت انباره موجود سرمایه اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و آن از بین ببرد.

### سرمایه اجتماعی به روش های گوناگونی با سیاست‌ها تلفیق می‌شود:

الف) یک راه برای تلفیق سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها این است که مستقیماً سرمایه اجتماعی را هدف سیاست‌گذاری و برنامه ریزی‌ها قرار دهیم. به عبارتی دیگر باید به منظور گسترش دادن و مراقبت از سرمایه اجتماعی سیاست وضع کنیم. به عنوان مثال اگر بخواهیم سطح اعتماد میان افراد و مشارکت مدنی را از طریق افزایش ارتباطات اجتماعی افزایش دهیم، هدف سیاست‌ها گسترش یا افزایش سرمایه اجتماعی خواهد بود.

ب) روش دیگر به کارگیری سرمایه اجتماعی بعنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاست‌های کلی تر می‌باشد. در این حالت سرمایه اجتماعی به جای اینکه محور اصلی سیاست‌ها باشد یکی از ابزارهایی خواهد بود که جهت نیل به اهداف سیاست‌های کلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شیوه از بکارگیری سرمایه اجتماعی، باید توجه شود که بررسی‌ها و تحقیقات لازم بر زمان طراحی برنامه‌ها انجام شود تا از توسعه و گسترش ابعاد و اشکال مثبت سرمایه اجتماعی در هنگام اجرای برنامه تا حد کافی اطمینان حاصل شود. در این زمینه می‌توان برنامه‌های دولت جهت تسهیل و تشویق تأسیس درمانگاه‌های خیریه و مشاوره‌های روانی و بهداشت خانواده را نام برد که به منظور کاهش هزینه‌های درمانی از طریق پیشگیری و رواج بهداشت در جامعه وضع می‌شود. در این رهیافت تعریف و محاسبه نماگرهایی که قابلیت اندازه‌گیری اثرات ناشی از کاربرد سرمایه اجتماعی را داشته باشند. به منظور ارزیابی کلی این سیاست‌ها و نیز تصمیم‌گیر در خصوص ادامه کاربرد آنها و یا استفاده در سایر حوزه‌ها ضروری است.

ج) گونه دیگر تلفیق سرمایه اجتماعی با برنامه‌ها و سیاست‌ها، استفاده از این

مفهوم جهت درک بهتر وضعیت، شرایط و موقعیت جوامع هدف سیاست‌گذاری‌ها می‌باشد. به این معنا که از اطلاعات مربوط به ساختار و روابط اجتماعی موجود در یک جامعه در طراحی برنامه‌ها و سیاست‌هایی که به طور خاص برای آن جامعه وضع می‌شود و نیز در کاربردی کردن آنها استفاده نماییم. بدین منظور تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران قبل از اتخاذ هر گونه تصمیم یا وضع سیاستی باید تحقیقاتی در زمینه آثار بالقوه این سیاست‌ها برانباشت سرمایه اجتماعی موجود در جامعه داشته باشند. (حیدری، 1389، 197).

بحث در مورد مداخله سیاستی در ایجاد سرمایه اجتماعی امری وسیع است: در درجه اول، این واقعیت است که توانایی مردم در دستیابی به منابع از طریق سرمایه اجتماعی‌شان می‌تواند باعث ایجاد تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در فرصت‌های زندگی‌شان گردد. هرچه انتظار برای مداخله دولت در توزیع عمومی‌تر منابع، در حوزه‌هایی مثل بهداشت یا آموزش، بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی بهتر می‌تواند به عنوان ابزاری برای سیاست‌گذاری عمل کند. هرچه جایگاه سرمایه اجتماعی در نقش یک چیز عمومی در اذهان پذیرفته باشد، بیشتر می‌تواند به عنوان یکی از اهداف سیاست لحاظ شود. بنابراین، سیاست‌های ارتقا دهنده سرمایه اجتماعی می‌توانند تأثیر مستقیمی در بهبود اجتماع داشته باشند.

در درجه دوم، سایر کنشگران جامعه اهمیت سرمایه اجتماعی را تشخیص می‌دهند. اگر سیاست عمومی به کنش‌های آنها و پیامدهای حاصل از آنها بی‌اعتنا باشد، این کنشگران به طرقی نامطلوب از سرمایه اجتماعی استفاده می‌کنند.

در درجه سوم، ایده سرمایه اجتماعی می‌تواند به رهایی حکومت از آنچه مدل نامتوازن محرومیت خوانده می‌شود، کمک کند. سنجش مهمی از پژوهش‌های صورت گرفته درباره موضوعاتی از قبیل رشد اقتصادی، ارتقای بهداشت، برابری آموزشی، تجدید نسل و توسعه محله‌ای گرایش به بیان این مطلب دارند که این افراد محرومند

که به شکلی در آموزش، در مهارتها و در نگرشهای «درست» غایب هستند و بنابراین نیازمند تغییر وضعیت می باشند (فیلد، 1388، 204-202).

### پیشنهادها

در نظر فوکویاما، آموزش حوزه ای است که احتمالاً دولتها بیشترین توانایی مستقیم خویش را در به وجود آوردن سرمایه اجتماعی به کمک می گیرند. «نهادهای آموزشی تنها سرمایه انسانی را انتقال نمی دهند بلکه آنها سرمایه اجتماعی را نیز به شکل قوانین و هنجارهای اجتماعی منتقل می کنند.»

- هیوگز، بلامی و بلک (2000) اصلاحاتی را برای برنامه های آموزشی، فعالیتهای فوق برنامه تحصیلی، فنون آموزش، شاخص گذاری و فرآیند های نظارت مدرسه به منظور تزریق کردن سطوح بیشتری از اعتماد اجتماعی در قلبها و اذهان جوانان توصیه می کنند.

- بیلانت و ساندرز (2002) احترام فردی را پیش زمینه ظهور و ماندگاری سرمایه اجتماعی می دانند و بیان می کنند چون آموزش نقش مهمی را در جامعه پذیری هر نسل ایفا می کند، مدارس نقش اساسی را در هر اقدام سیاست گذاری با هدف تقویت احترام ایفا می کند.

- سرمایه گذاری بیشتر در مدارس، تدوین متون درسی متناسب با نیاز جامعه، افزایش رضایت مردم از مدارس دولتی

- آموزش شهروندی، از جمله آموزش مهارتهای ارتباطی سطح بالاتر را نه تنها در سطح مدارس بلکه در محیط کار

- برنامه ریزی به منظور گسترش اعتماد و ارتباط بین اقوام و مذاهب مختلف که موجبات همدلی و همبستگی را فراهم می آورد.

- افزایش رفاه اقتصادی و تأمین اجتماعی مردم

- واگذاری بخشی از وظایف دولت به نهادهای مدنی، دولت باید برای تقویت

سرمایه اجتماعی بین یا گروهی در جامعه، زمینه مشارکت فعال مردم در انجمن‌های داوطلبانه را فراهم سازد

و از این طریق باعث تعاملات گسترده مردم با یکدیگر گردد که ان نیز اعتماد تعمیم یافته را افزایش و جرم و جنایت را کاهش خواهد داد.

- تلاش برای کاهش فاصله طبقاتی و توزیع عادلانه امکانات که بر افزایش امید مؤثر است.

- اصلاح ساختار اداری به منظور جلب بیشتر مشارکت مردمی

- افزایش کارایی دولت و همچنین نهادها و ساختارهای وابسته به آن

- (کاکس 1995) فراهم کردن فضای باز شهری از جمله پارکها، مناطق حفاظت

شده، جایی که افراد می‌توانند همدیگر را ملاقات کنند

- حذف یا اصلاح قوانین و مقرراتی که در آنها تبعیض و نابرابری وجود دارد

- برنامه سازی در صدا و سیما در راستای گسترش مشارکت رسمی و غیر رسمی

در تمامی حوزه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

- ترویج مناسک و مراسم ملی به منظور تقویت احساس جمعی

- تقویت حس ایثار و از خود گذشتگی، خود باوری، علاقمندی به جامعه در

فرزندان

- افزایش بصیرت دینی و مذهبی مردم، تقویت طرز تلقی ها، آداب و رسوم و

هنجارهای فرهنگی، ارزش و دینی

- گسترش روحیه نقد و نقد پذیری

- رعایت اصول صداقت، وفای به عهد و عدم تملق، اعتماد به نفس، اعتماد به

دیگران، امانتداری، ، جلوگیری از سوء ظن، تهمت و...

- فراهم کردن تمهیداتی برای گسترش شبکه های ارتباطی و بده و بستان های

عاطفی میان مردم

## نتیجه گیری

سیاستگذارانی که ایده‌ی ارتقای سرمایه اجتماعی را می‌پذیرند تماماً بر این نکته توافق دارند که اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی چالشی اساسی است. ارتباط بین سرمایه اجتماعی و به ویژه مؤلفه‌های آن - اعتماد، اخلاقیات، آگاهی عمومی، مشارکت، انسجام اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارها، دین و ایدئولوژی، امنیت - و تأثیر و تأثر آن بر جامعه مدنی و سیاستگذاری به گونه‌ای مستقیم و متقابل است.

سرمایه اجتماعی تمام الزاماتی را که برای توسعه جامعه ضرورت دارند را در خود جای می‌دهد. پرداختن به مسایل نظری و اجرایی سرمایه اجتماعی و نیز تبیین الزامات نهفته در آن برای توسعه اقتصادی و اجتماعی جالب و اساسی است و جای آن دارد که از سوی متخصصان مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا روشن شود که در کشورهای موفق در راه توسعه، مدیریت بر آن چگونه تحقق پذیرفته است. پژوهش درباره سرمایه اجتماعی اگرچه هنوز در مراحل آغازین است. ولی سیاست‌گذاران نمی‌توانند منتظر بمانند که پژوهشگران قبلاً از همه چیزهایی که باید در این عرصه دانست سر درآورند و بعد از آن دست به عمل بزنند بلکه باید توأمآً بیاموزند و عمل کنند که این مستلزم ارزیابی جدی‌تر پروژه‌ها و برآورد دقیق‌تر تأثیر این با آن سیاست بر سرمایه اجتماعی است. و ضمناً تلاش مدیران و رهبران جامعه برای ارتقای سرمایه اجتماعی از طریق اعتماد سازی، برقراری نظام‌های مشارکتی، تقویت نهادهای مدنی، تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور دوطلبانه در نهادهای اجتماعی نیز حائز اهمیت می‌باشد.

بنابراین حکومت باید توازن حساسی را برهم زند. از یک طرف بی‌اعتنایی سیاستگذاری به سرمایه اجتماعی نوعی بی‌ملاحظگی است. علاوه بر این، اجرای سیاست‌ها در اکثر حوزه‌ها تحت تأثیر شبکه‌هایی است که در بین کنشگران سیاستی مربوطه ایجاد شده‌اند (که معمولاً شامل رهبران تجاری، کارمندان دولت و سیاستمداران

هستند). با اجرای سیاست، نتایج آن تحت تأثیر سرمایه اجتماعی افرادی است که سیاست برای آنها طراحی شده است (از جمله هر مؤسسه‌ای که نماینده آنها باشد). حکومت باید در توسعه سیاست‌هایی که تقویت‌کننده سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی هستند از خطرات تحلیل بردن سهوی منابع موجود سرمایه اجتماعی یا تولید اتصالاتی که بیش از پیامدهای مثبت، دارای پیامدهای منفی هستند، اجتناب کند.

درحالی‌که ایجاد سیاست‌گذاری‌هایی برای ایجاد سرمایه اجتماعی جدید معمولاً مسأله ساز است، دولت‌ها باید حداقل زمینه‌ای برای اصلاح سیاست‌گذاری‌هایی که سرمایه اجتماعی را تخریب می‌کند، و روشهایی که ذخیره فعلی سرمایه اجتماعی را برای دستیابی اثربخش‌تر به برنامه‌ها استفاده می‌کند بررسی کنند. باید یادآور شد که سرمایه اجتماعی جایگزین سیاست عمومی کارآمد نیست بلکه پیش‌نیاز و تا اندازه‌ای یکی از پیامدهای آن است. همانطور که پژوهش پاتنام درباره ایتالیا نشان می‌دهد، سرمایه اجتماعی از طریق و به همراه دولت‌ها و بازارها کار می‌کند نه به جای آنها. سیاست عاقلانه می‌تواند ایجاد سرمایه اجتماعی را تشویق کند و سرمایه اجتماعی خود تأثیرگذاری اقدامات دولت را افزایش می‌دهد.



## منابع

- 1- اختر محققى، مهدى، (1385)، سرمایه اجتماعی، تهران، ناشر مؤلف.
- 2- افتخاری، اصغر، (1384)، نبود سرمایه اجتماعی و تأثیر آن، گفتگو با اندیشه صادق.
- 3- بهرامی، فردین، (1381)، ابعاد بیرونی سرمایه اجتماعی، تهران، انتشارات نسیم البرز، شماره 310.
- 4- تاجبخش، کیان، (1389)، سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، چاپ سوم، تهران، انتشارات شیرازه.
- 5- تونیکس، فران، (1387)، اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- 6- ثقلانی، محمد، (1389)، تأثیر اجتماعی بر سیاست های رفاهی (بررسی موردی ایران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- 7- جاسبی، عبدالله، (1380)، مباحثی از مدیریت اسلامی، تهران، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- 8- چلبی، مسعود، (1378)، میزگرد و فاق اجتماعی و همبستگی ملی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره 1.
- 9- حیدری، فاطمه، (1389)، پایان نامه کارشناسی ارشد، تأثیر انقلاب اسلامی بر ارتقاء سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، واحد تهران مرکز.
- 10- رحمانی، محمود و کاوسی، (1387)، اسماعیل، اندازه گیری و مقایسه سرمایه اجتماعی در بخش های دولتی و خصوصی، چاپ اول، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم.
- 11- روشه، گی، (1389)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، چاپ بیست و یکم، تهران، نشر نی.
- 12- سیمی، محمد هادی، (1381)، پایان نامه، بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی

سازمانی، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

- 13- صالحی امیری، رضا، (1388)، مدیریت و سرمایه اجتماعی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، شماره 4.
- 14- علاقبند، مهدی، (1384)، درآمدی بر سرمایه اجتماعی، مهرماه، ماهنامه فصل نو.
- 15- علوی، سید بابک، (1380)، سرمایه اجتماعی، مهر، ماهنامه تدبیر، شماره 116، سال دوازدهم.
- 16- غفوری، محمد و روح الله جعفری، (1385)، سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی، رابطه متقابل یا یک سویه، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره 4.
- 17- فاین، بن، (1385)، سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، ترجمه محمد کمال سروریان، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- 18- فوکویاما، فرانسیس، (1379)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامحسین توسلی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
- 19- فیلد، جان، (1388)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.
- 20- کلمن، جیمز، (1386)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
- 21- گیدنز، آنتونی، (1377)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- 22- مبشری، محمد، (1388)، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، پاییز، پژوهشنامه سرمایه اجتماعی، شماره 40.
- 23- نصیری، مرتضی، (1387)، سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر سیاست گذاری عمومی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

24. Bourdieu, Pierre, Distinction,(1984), A Social Critique of the judgment of taste routed, London.

25. Putnam, R.D, Making Democracy Work,(1993), Princeton

university press, Princeton.

26. Tandler, Judith, Good Government in the Tropics(1997).

Baltimore: John Hopkins university press.

27. <http://www.fakohi.com>.

28. <http://www.fasleno.com/archives/00311/php>.

29. <http://worldbank.org/poverty/scapitaly/>.